

The Criteria of Optimal Factionalism to Promote Active Political Participation in the Islamic Republic of Iran¹

Abolfazl Ghaffari¹

Sayyid Muhammad Taki Al-e-Ghafur²

1. Ph.D. Student, Department of Political Science, Faculty of History and Political Studies, Bagher Al-Olum University, Qom, Iran (*Corresponding Author*). ab_ghaffari@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of History and Political Studies, Bagher Al-Olum University, Qom, Iran. Smta1334@gmail.com

Received: 14 July 2018; **Accepted:** 1 December 2019

Abstract

The objective of the present study is to survey the criteria of optimal factionalism to promote active political participation in the Islamic Republic of Iran. Using Ijtihadi method (independent reasoning of a jurist's mental faculty) and the literature review of the works of Allameh Naiini, this research explains the indices of efficient political parties. The results showed that factionalism and political institutionalization is a state which displays existing events in society. In its positive concept, this notion has been used by Muslims in their good competitions and charity festivals. With regard to the expansion of industrialization, mass media, and middle class in society, it is necessary to attract institutionalized public participation through political parties. In order to consolidate optimal condition for factionalism, it is essential to foster political equality, political freedom, political competition, accurate election system, and also institutiolize needed organizations, party membership, code of conduct, financial supporting, and also avoid issues such as Iron Law of Oligarchy, monopolization, violation of codes, and dependence to the foreigners. Iranian society needs factionalism to encourage public and peaceful participation, and any delay or negligence in this process may lead to non-peaceful activities in the country.

Keywords: Party (Faction), Factionalism, Political Participation, Ayat-ol-Lah Naiini, Tanbih al-Ummah, Political Equality, Political Freedom, Political Competition, Election, Iron Law of Oligarchy.

1. This research is extracted from: Abolfazl Ghaffari, "**Desired Model for Strengthening Active Political Participation in the Islamic Republic of Iran**", PhD Thesis, Supervisor: Dr. Mohammad Taghi Al Ghafour, Department of Political Science, University of Bagheroloom Qom

مؤلفه‌های حزب مطلوب برای تقویت مشارکت سیاسی فعال در جمهوری اسلامی ایران^۱

ابوالفضل غفاری^۱
سید محمدتقی آل‌غفور^۲

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، دانشکده تاریخ و مطالعات سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم(ع)؛ عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران (نویسنده مسئول). ab_ghaffari@yahoo.com
۲. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده تاریخ و مطالعات سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم(ع)؛ عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران. Smta1334@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۰

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی مؤلفه‌های حزب مطلوب برای تقویت مشارکت سیاسی فعال در جمهوری اسلامی ایران بود. این پژوهش با روش اجتهادی و ادبیات علامه نائینی به تبیین مؤلفه‌های حزب مطلوب پرداخته است. یافته‌ها نشان داد، حزب و نهادمندی سیاسی نوعی وضعیت است و حاکی از شرایطی که در جامعه رخ می‌دهد، و در مفهوم مثبت، مسلمانان آن را در رقابت مثبت و مسابقه در خیرات به کار برده‌اند. با توجه به گسترش صنعتی شدن و توسعه وسایل ارتباط جمعی و افزایش طبقه متوسط، جذب مشارکت نهادینه مردم از طریق نهادهای سیاسی ضرورت امروز ایران است. برای شکل‌گیری حزب مطلوب شرایطی مانند برابری سیاسی، آزادی سیاسی، رقابت سیاسی و نظام انتخاباتی، انتخابات جدی و ارکانی که شامل سازمان، عضویت حزبی، مرامنامه، کارویژه و مالیه احزاب و منافیات و نیایدیهایی از قبیل الیگارش‌های آهین حزب، انحصارطلبی، دور شدن از مواضع فکری و مرامنامه و عدم وابستگی به بیگانه است، ضروری می‌باشد. جامعه ایران به ایجاد وضعیت حزب برای مشارکت‌جویی در اشکال مسالمت‌آمیز نیاز دارد، تأخیر در شکل‌گیری این روند مشارکت‌جویی را در اشکال غیر مسالمت‌آمیز راهبری می‌کند.

واژه‌های کلیدی: حزب، مشارکت سیاسی، آیت الله نائینی، کتاب تنبیه الامه، برابری سیاسی، آزادی سیاسی، رقابت سیاسی، انتخابات، الیگارش‌های آهین حزبی.

۱. برگرفته از رساله دکتری: ابوالفضل غفاری، «الگوی مطلوب برای تقویت مشارکت سیاسی فعال در جمهوری اسلامی ایران»، استاد راهنما دکتر محمدتقی آل‌غفور، رشته علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده تاریخ و مطالعات سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم(ع) قم، ۱۳۹۷.

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین نهادهای سیاسی که امکان رقابت و مشارکت سیاسی مشروع و قانونمند را به وجود می‌آورد، احزاب سیاسی هستند. احزاب سیاسی ملازم با مردم‌سالاری، حلقه مفقوده و واسطه بین مردم و کارگزاران و تصمیم‌گیران سیاسی بوده و می‌توانند وضعیت حزب را در کشورهای در حال توسعه ایجاد کنند و با چندین کارکرد مهم در خدمت نظام سیاسی باشند. از یک سو به تضادهای موجود در جامعه مشروعیت بخشند و جایگاه آن‌ها را در مناقشه عمومی مشخص کنند و از سوی دیگر از طریق کاهش تضادها و دفع آن‌ها به ثبات سیاسی کمک کنند (نوذری، ۱۳۸۱: ص ۵۸-۶۰). احزاب مشارکت سیاسی نهادینه را در جامعه از طریق انتخابات، به‌عنوان مؤثرترین سازوکار موجود جهت تسهیل گردش نخبگان گسترش می‌دهند.

اصل سوم قانون اساسی، بند هشت مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را از وظایف نظام جمهوری اسلامی می‌داند که این امر با نهادینه شدن حزب، با توجه به شرایط و ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و دینی جامعه ایران امکان‌پذیر است. در ایران تجربه حزب به دوران مشروطیت باز می‌گردد، اما تاریخ حزب از زمان مشروطه تاکنون بیانگر نوعی ناکارآمدی می‌باشد. در یک قرن اخیر موانع ساختاری و کارکردی بیانگر عدم نهادمندی سیاسی همراه با کارویژه‌های مثبت حزب بوده است.

در جمهوری اسلامی ایران همه به دنبال تشکیل حزب هستند، اما اینکه حزب درست و مطلوب و منطبق با شرایط فرهنگی- اجتماعی ایران چیست و مولفه‌های حزب مطلوب کدام است، کمتر به آن پرداخته شده است.

سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که مؤلفه‌های حزب مطلوب برای تقویت مشارکت

سیاسی فعال در جمهوری اسلامی ایران کدام‌اند؟

۲. مفاهیم

۱-۲. حزب^۱

حزب در لغت به معنای جماعتی از مردم، پیروان و هم‌مسلمانان شخصی، بهره، قسمت، یک قسمت از شصت قسمت در قرآن آمده است. این واژه همواره به گروهی از مردم اطلاق شده که عقیده و مسلک واحدی دارند و از هدف واحدی دفاع می‌کنند. راغب اصفهانی در «فقه الغه» در معنای حزب آورده است: «الحزب جماعه فیها غلظ»، حزب گروه و جماعتی است که با شور و حماسه از آرمان‌های مشترک خود دفاع می‌نمایند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۱۵). اما در مفهوم اصطلاحی می‌توان حزب سیاسی را تشکلی دانست که دارای ویژگی‌های زیر است:

- از نظر ساختاری دارای سازمانی مستمر و بادوام باشد که بتواند عمری طولانی‌تر از بنیان‌گذارانش داشته و فزون بر مرکز سیاسی کشور، شعباتی نیز در سطح کل کشور داشته باشد.

- از نظر کارکردی درصدد بسیج افراد برای دستیابی به مقام‌های دولتی باشد.

- از نظر اهداف، دارای برنامه‌ها و طرح‌هایی باشد که به نام آن‌ها خواهان بسیج رأی‌دهندگان بوده و قدرت‌طلبی خود را توجیه نماید (آل غفور، ۱۳۹۱: ص ۸۸-۸۹).

تعریف مفهومی حزب عبارت است از سازمانی مردم‌نهاد و مبتنی بر دو اصل آزادی و برابری سیاسی که با هدف کسب و هدایت قدرت سیاسی برای اجرای برنامه‌هایی که معطوف به منافع ملی و خیر عمومی است، به بسیج رأی و رقابت انتخاباتی مسالمت‌آمیز و قاعده‌مند با سازمان یا سازمان‌های همگن می‌پردازد (فیرحی، ۱۳۹۶: ص ۷۷).

۲-۲. تحزب^۲

تحزب وضعیتی است که حاکی از شرایطی که در جامعه رخ می‌دهد، می‌باشد. در مفهوم مثبت، آن را مسلمانان در رقابت مثبت و مسابقه در خیرات به‌کار برده‌اند. به هر حال تحزب نوعی

1. Party

2. Political institutionalization

وضعیت و عمل اجتماعی است (فیرحی، ۱۳۹۶: ص ۴۸۲). تحزب و نهادمندی سیاسی فرایندی است که سازمان‌ها و رویه‌ها با آن ارزش و ثبات می‌یابند. هانتینگتون چهار معیار برای سطح نهادمندی نظام سیاسی برمی‌شمرد: تطبیق‌پذیری، پیچیدگی، استقلال و انسجام نهادها (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ص ۱۱-۴۷).

۲-۳. مطلوب

مطلوب یعنی تحقق آنچه که از فلسفه وجودی چیزی انتظار می‌رود، به نحو احسن ایجاد شود. در مورد تحزب مطلوب، انتظار این است که حل مسالمت‌آمیز مسائل سیاسی و اداره حکومت و تقویت مشارکت سیاسی شهروندان با توجه به اسناد بالادستی، قانون اساسی، دین، فرهنگ و مسلمات جامعه توسط احزاب نهادینه محقق شود.

۲-۴. مشارکت سیاسی^۱

از مشارکت سیاسی تعاریف متفاوتی ارائه شده است. لستر میلبرث^۲ مشارکت سیاسی را مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اعمال شهروندان برای اعمال نفوذ بر حکومت یا حمایت از نظام سیاسی می‌داند (میلبرث و گوئل، ۱۳۸۶: ص ۱۲).

مایکل راش^۳ می‌گوید که مشارکت سیاسی درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی بوده و این امر از عدم درگیری در سیاست تا داشتن مقام رسمی سیاسی است (راش، ۱۳۹۳: ص ۱۲۲).

از نظر مایرون واینر^۴ مشارکت سیاسی هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر، شامل روش‌های مشروع و غیر مشروع برای تأثیر بر انتخاب رهبران و

1. Political participation

2. Lester.W.Milbarth

3. Michale Rush

4. Myron Weiner

سیاست‌ها و اداره امور عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است (مصفا، ۱۳۷۵: ص ۲۰). در بیشتر تعاریف مطرح شده از مشارکت سیاسی خصیصه حاکمیت مردم در انتخابات و دخالت در تصمیم‌گیری‌ها و اداره امور کشور و مشارکت آگاهانه و قدرتمندانه مردم در کلیه نهادهای اجتماعی مورد تاکید است. لذا، مشارکت سیاسی، مشارکت آزادانه، آگاهانه و داوطلبانه مردم در سرنوشت خویش می‌باشد.

۳. روش اجتهادی نائینی

روش اجتهادی نائینی با بهره‌گیری از منبع عقل، توجه به منابع دینی، توجه به زمان و مکان، بهره‌گیری از تاریخ و همچنین توجه به عرف و مناسبات اجتماعی و بهره‌گیری از اصول فقه می‌تواند به عنوان الگویی برای تحلیل مسائل نوظهور سیاسی باشد. نائینی در «تنبیه الامه» نوآوری روش‌شناختی ویژه‌ای دارد که رساله او را از دیگر متون فقهی متمایز می‌کند. وی برای ورود به بحث با سؤال از ماهیت و حقیقت حکومت آغاز می‌کند و مقدمه‌ای نظری در باب ضرورت و انواع حکومت و معیار تقسیم دولت‌ها به مطلوب و نامطلوب دارد (فیرحی، ۱۳۹۱: ج ۱، ص ۲۸۲). وی با بیان اینکه حکومت مطلوب ولایتیه است حقیقت آن را رعایت مصلحت عمومی به‌مثابه امانت‌داری نوع می‌داند (فیرحی، ۱۳۹۴: ص ۲۴۳-۲۴۹) و در ادامه شرایط و پیش‌فرض‌های این حکومت را آزادی و برابری و شورا در نظر می‌گیرد و ارکان حکومت ولایتیه را قانون اساسی و مجلس شورای ملی می‌داند و وجوه سلبی و نبایدهایی که موجب فساد یا نقصان آن می‌شود را برمی‌شمارد. ادبیات «تنبیه الامه» استدلال فقهی ویژه‌ای پیرامون ضرورت و وجوب شرعی شورا در امور سیاسی دارد. این بحث کاملاً بر سنت فقاهتی شیعه در استنباط حکم شرعی از ادله تفصیلی استوار است و مشرب فقهی فکری نائینی در مسائل نوظهور سیاسی را نشان می‌دهد. اشارات نائینی حاکی از آن است که روش اجتهادی و ادبیات وی علاوه بر تبیین ضرورت نفی استبداد و تاسیس دولت جدید حاوی توصیه‌هایی در باب سازمان مطلوب حکومت مشروطه است. وی برای پشتیبانی از مشروطه به الگویی از سازمان سیاسی اشاره می‌کند که می‌توان آن را دموکراسی انجمنی نامید. نائینی تشکیل انجمن‌های صحیح را که با مفهوم حزب نزدیک و در عین حال متمایزند را

تنها سازوکار موثر برای مدیریت امور نوعی و تأمین دوام و همبستگی جامعه معرفی می‌کند. نائینی دو چیز را در مورد انجمن‌ها رکن می‌داند:

اول: انجمن‌ها باید مرکب از اعضای کامل در علم و خیرخواهی وطن و کار خیر عمومی باشند.
دوم: کار انجمن‌ها احیای رابطه نوعیه است، نه رابطه شخصیه. انجمن صحیح شکل نمی‌گیرد، مگر آنکه شرایط شکل‌گیری انجمن فراهم شود که وجود سه امر مهم آزادی سیاسی، برابری سیاسی و رقابتی بودن امر سیاسی در جامعه است (نائینی، ۱۴۲۴ق: ص ۱۷۰).
 پژوهش حاضر از ادبیات نائینی در کتاب «تنبیه الامه» استفاده می‌کند تا مؤلفه‌های حزب مطلوب را ارائه دهد. برای آغاز بحث از حقیقت و چیستی حزب و حزب آغاز می‌کنیم و نظر امام خمینی و سه شخصیت طراز اول از شاگردان ایشان که حزب جمهوری اسلامی را تاسیس کردند، بررسی خواهیم کرد تا راهی به ماهیت و چیستی حزب و حزب پیدا کنیم.

۴. دیدگاه امام خمینی در مورد حزب و حزب

در مورد نگرش امام خمینی به حزب و حزب می‌توان موافقت مشروط را نتیجه گرفت. با توجه به فرمایشات ایشان می‌توان به دو رکن اساسی در مورد حزب در جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد:

یک. حزب دارای ایده اسلامی باشد.

دو. در عرصه فعالیت سیاسی و رقابت، چارچوب مقررات شرعی را مدنظر قرار دهد.
 ایشان می‌فرمایند: احزاب، گروه‌ها، جمعیت‌های سیاسی و مذهبی آزادند، مادامی‌که اعمالشان بر ضد جمهوری اسلامی و اسلام و نقض حاکمیت ملت و نقض ملیت کشور نباشد. در چارچوب جمهوری اسلامی احزاب می‌توانند آزادانه اظهارنظر کنند، ولی خراب‌کاری در امور سیاسی را تحمل نخواهیم کرد (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۰، ص ۲۴۸).

همچنین امام خمینی در مورد این رکن که حزب باید ایده اسلامی داشته باشد، می‌فرماید: این‌طور نیست که حزب بد باشد یا هر حزبی خوب باشد، میزان ایده حزب است و اگر ایده چیز دیگری باشد، حزب شیطان است، هر اسمی هم داشته باشد. بنابراین، باید کوشش کنیم حزبمان را

حزب‌الله کنیم (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۷، ص ۴۵).

از دیدگاه امام خمینی تحزب صحیح بایستی با مصالح دینی و ملی مطابقت و هم‌سویی داشته باشد و تحزبی که منجر به تفرقه شود را تأیید نمی‌کردند. ایشان در مورد انشعاب روحانیون مبارز از روحانیت مبارز تصریح کردند که انشعاب تشکیلاتی برای اظهار عقیده مستقل و ایجاد تشکیلات جدید به معنای اختلاف نیست و تفاوت در آراء را منشاء فساد در جامعه، و کثرت را منافی با وحدت نمی‌دانند. همچنین نبایدهایی هم در مورد تحزب دارند، از جمله اینکه احزاب نباید دولتی باشند (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۶۳). نباید الگوبرداری از کشورهای اروپایی بوده و وابستگی به بیگانگان داشته باشند (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۴، ص ۸۹). نباید فعالیت حزبی با انسجام و همبستگی جامعه تعارض داشته باشد.

با نگاه به سیره نظری و عملی امام خمینی مشخص می‌شود که ایشان اصل آزادی احزاب را فراهم آوردند تا گروه‌ها و سلاقی گوناگون بتوانند در درون نظام جمهوری اسلامی به‌گونه‌ای مشروط به فعالیت پردازند. تنها استثناء تحزب‌گرایی در بین نیروهای مسلح است که امام بارها آن را نهی و ممنوع کردند و همچنین فعالیت احزاب در صورتی محدود می‌شود که فعالیت احزاب مضر باشد یا خراب‌کاری در امور سیاسی انجام دهند یا خیانت به کشور و ملت باشد.

۵. دیدگاه مقام معظم رهبری در مورد حزب و تحزب

آیت‌الله خامنه‌ای حزب و تحزب را امر شرعی می‌داند که از سیره پیامبر(ص) و معصومین(ع) نشأت می‌گیرد. ایشان معتقدند پیامبر(ص) رسالت خود را با ایجاد حزب پیش برد، حزبی که مراحل گوناگون را برای رسیدن به حکومت طی کرد. پیغمبر در مکه، مسلمان‌هایی را که به وجود آورد، در حقیقت حزبی به وجود آورد بعد هم که اسلام ظاهر شد، دعوت پیامبر(ص) شکل حزبی بود، یعنی به همان معنایی که حزب در فرهنگ امروز جهانی دارد. بعد از اینکه پیامبر(ص) به حکومت رسید، حزب دیگر قهراً با آن فلسفه باقی نماند و شکل حکومت پیدا کرد. بعد از پیامبر(ص)، امیرالمؤمنین(ع) یقیناً حزب داشت. «بنده در بحث‌هایی که در دوران اختناق از سال ۵۰ تا ۵۶ بارها برای اجتماعات بزرگ و کوچک گفته و ثابت کرده‌ام، تشیع در روزگار نخستین در

حقیقت حزب امامت و حزب ائمه بود» (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۱/۱۱/۳۰: ص ۱۰).

در نگرش آیت‌الله خامنه‌ای حزب و تحزب ارجاع به سیره معصومین و تاریخ صدر اسلام می‌شود که اصل تحزب از طرف پیامبر اسلام به وجود آمده است و برای حزب از سیره صدر اسلام استنباط و دلیل آورده می‌شود که در رویه‌های پیامبر(ص) و امام علی(ع) مسبوق به سابق و واجد بدیل بوده است. بنابراین، تحزب از دیدگاه ایشان امری شرعی بوده که از سیره پیامبر(ص) استنباط می‌شود.

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای حزب به معنای صحیحش باید ایجاد شود، ما با تحزب مطلقاً مخالف نیستیم، این که خیال کنند ما با حزب مخالفیم نه، این طور نیست، قبل از پیروزی انقلاب پایه‌های یک حزب بزرگ و فعال را خود ما ریختیم، اول انقلاب هم این حزب را تشکیل دادیم، امام هم تأیید کردند، چند سال با جدیت مشغول بودیم، البته بعد به جهاتی تعطیل شد. آن وقت هم به ما اشکال می‌کردند که تحزب با وحدت عمومی جامعه مخالف است و آن وقت یک سخنرانی مفصل کردم که بعدها هم پیاده شد و چاپ شد، تحت عنوان «وحدت و تحزب». تحزب می‌تواند در جامعه انجام بگیرد، در عین حال وحدت هم صدمه‌ای نبیند، این‌ها با هم منافاتی ندارند (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۴)

۶. دیدگاه آیت‌الله شهید بهشتی در مورد حزب و تحزب

شهید بهشتی تحزب و حزب را امر عرفی می‌داند و معتقد است که نه خطبه خاصی و نه آیه و روایتی به این شکل برای حزب به معنی امروزی نداریم و ایشان به ادله عام قرآن و حدیث برای تحزب دلیل می‌آورند و برای اولین بار تحزب را به بحث بسیار مهم مسابقه در خیرات ارجاع می‌دهند، «فاستبقوا الخیرات الی الله مرجعکم» (مائده، ۴۸). به نظر ایشان اگر قرار باشد بساط حزب‌بازی در جامعه ما پهن شود، اگر قرار باشد بساط گروه‌گرایی و انحصارطلبی گروهی در جامعه‌ی ما گسترده شود، وحدت در خطر است. این یک واقعیت است، چه باید کرد؟ ما در اسلام و قرآن در این زمینه یک تعلیم زیبا داریم مبنی بر اینکه ای افراد، ای مؤمنان، ای تک‌تک مردان و زنان باایمان و ای مجموعه‌های به وجود آمده از مردان و زنان باایمان، راه اسلام راه مسابقه در

خیرات است، مسابقه بگذارید، در خود ساختن و محیط ساختن و الگوی مطلوب‌تر و اسلامی شدن، گروه‌گروه باشید، اما در یک مسابقه مثبت نه در یک مسابقه تخریبی منفی؛ رمز کار اینجاست و این را باید درست کرد (بهشتی، ۱۳۸۸: ص ۷۸).

شهید بهشتی علاوه بر اصول و شروطی که برای حزب ذکر می‌نمایند، به نیایدهایی هم اشاره دارند که در واقع از منافیات حزب است، مثل خودخواهی‌های شخصی، خودمحوری‌ها، سوءظن‌ها، بدگمانی‌های بیجا نسبت به یکدیگر، قالبی‌سازی انسان‌ها در حزب، انحصارطلبی و انحصار اندیشی.

آنچه از اندیشه شهید بهشتی برای الگوی حزب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، تصویر حزب به‌مثابه مسابقه مثبت است و از آنجا که مسابقه دارای آیین خاص، اخلاق و قواعد و احکام مخصوص به خود می‌باشد، لذا، در مورد قواعد مسابقه حزبی، بازیگران، داور، نتیجه، زمین بازی، تدارکات و تماشاچی باید آیین‌های صحیح به وجود آید.

۷. دیدگاه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در حزب و حزب

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی حزب را امری عرفی می‌داند و معتقد است که اسلام این‌گونه مسائل را به عرف واگذار کرده است و این‌طوری نیست که اسلام در این مورد نظر قطعی و مشخصی مثل بعضی از مسائل عبادی، قضایی و سیاسی داده باشد. طبعاً برای اداره جامعه و انجام وظیفه مردم مکلف‌اند فکر کرده و راه‌های بهتری را پیدا کنند. در هر شرایطی شیوه‌های مناسب را انتخاب کنند، این مسائل را اسلام به خود مردم واگذار کرده، این مسئله به عرف واگذار شده است. حالا اگر زمانی مردم تشخیص بدهند حزب کارایی دارد، باید تشکیل بدهند. من دلیلی نمی‌بینم که اسلام با حزب مخالفت داشته باشد، یعنی منع از حزب نمی‌بینم، دستور صریحی هم که به‌عنوان یک شیوه خاص مدیریت در کشور باشد نمی‌بینم، ولی کلیاتی که اجازه می‌دهد مردم راه‌های بهتری را برای زندگی‌شان انتخاب می‌کنند، اینجا حاکم است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۸: ص ۵۳).

نکته مهم در نظر ایشان عرفی دانستن حزب و حزب و واگذاری آن به عرف است و اینکه این حزب پدیده‌ای جدید و مدرن بوده که در سابق به این شکل جدید بدیل و نمونه‌ای ندارد و دلیل

خاصی از آیات و روایات و سیره برای حزب استدلال نمی‌کنند، بلکه آن را روش عقلایی و از احکام امضایی اسلام تلقی می‌کند.

تصور حزب به‌مثابه مسابقه با ماهیت حزب و حزب مطابق بوده و روایی لازم را دارد. الگوی حزب به معنی مسابقه مثبت و برادرانه سنتی رایج در آثار حزب پژوهان است که نظریه بازی و مسابقه را در مورد رقابت‌های حزبی به‌کار برده‌اند. سنت فقهی ما در دو مورد از مسابقه صحبت کرده است، یکی مسابقه در ورزش و اسب‌سواری و تیراندازی و شمشیربازی و غیره و دیگری مسابقه در خیرات و امور عام‌المنفعه که با اصطلاح قرآنی چون «فاستبقوا الخیرات» مشخص است.

بعد از تصویر حزب مطلوب به‌مثابه مسابقه باید شرایط حزب فراهم شوند، شرایط از ارکان حزب نیستند و ماهیت حزب را تشکیل نمی‌دهند، اما دارای چنان موقعیتی هستند که بدون آن‌ها هر حزبی لاجرم فاسد است.

۸. شرایط حزب

۸-۱. برابری سیاسی^۱

یکی از شرایط مهم برای تحقق حزب برابری سیاسی است. جمیز بریس^۲ برابری سیاسی را در این می‌داند که همه شهروندان در اداره جامعه سهم مساوی داشته باشند و برای رسیدن به مقام سیاسی شایستگی مساوی رعایت شود. البته او شرط سنی، تحصیلات و نداشتن سوءسابقه را می‌پذیرد (جهانبخش، ۱۳۸۲: ص ۱۱).

بسیاری برابری سیاسی را به حق رأی مساوی تعبیر کرده‌اند، نه حق مساوی در تصمیم‌گیری که عملاً امکان‌پذیر نیست و به افراد مشخص تعلق می‌گیرد، یعنی برابری را همان حکومت اکثریت و

1. Political equality

2. James Bryce

2. Antony Megan

امکان نفوذ برابر تک‌تک افراد تا حد مشارکت در انتخابات تفسیر کرده‌اند. آنتونی مک‌گان^۱ دو معنای برابری در رأی دادن و برابری در تصمیم‌گیری را از هم جدا کرده و هر کدام را مستقل مورد تحلیل قرار داده است. او معنای اول برابری را تناسب^۲ و معنای دوم آن را حکومت اکثریت^۳ می‌داند (Mc Gan, 2009: P3).

همچنین در مورد برابری سیاسی، اندیشمندان مسلمان هم به قرآن و روایات تمسک کرده‌اند. برابری ذاتی انسان‌ها در اصل خلقت و مواهب ظاهری و باطنی از قبیل عقل، شعور و احساس و اختیار، با آیات و روایات فراوانی قابل اثبات است. مخاطب بودن نوع انسان از سوی خدا و مساوی بودن در انسانیت، مخلوق بودن انسان‌ها با ویژگی‌های منفی و مثبت ظاهری و درونی به شکل برابر، مشمول بودن هم‌زمان نفس واحد قرآنی بر مرد و زن که تک‌تک انسان‌ها در حقیقت عالم انسانی برابر دیده شده‌اند، این‌ها بخش کوچکی از آموزه‌های قرآنی درباره برابری اولیه انسان‌ها است. آیه خلافت «و اذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفة» (بقره، ۳۰)، مهم‌ترین مرجع درباره برابری انسان‌ها در زندگی سیاسی است. علامه طباطبائی اذعان کرده است که فرزندان آدم با او در خلافت از خدا در روی زمین شریک هستند و این مسئله به شخص او اختصاص ندارد (طباطبائی، ۱۳۷۵ق: ج ۱، ص ۱۱۶). پیش از علامه، صدرالمتهلین نیز به خلافت عمومیت بخشیده و معتقد است انسان از جهت انسان بودن، خلیفه خدا بر روی زمین قرار داده شده است. ملاصدرا بحث مفصلی را در این زمینه که چرا انسان بر فرشتگان برتری یافته، پی گرفته و غایت انسان را اتصال به خداوند در نظر می‌گیرد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۰: ج ۲، ص ۲۹۹-۳۰۳).

همچنین در روایات معصومان جمیع انسان‌ها مورد خطاب قرار گرفته‌اند. در نامه امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، نامه ۵۳ هم‌سانی انسان‌ها را در اصل خلقت اعلام نموده است. در مورد برابری این

-
1. Anthony McGann
 2. Proportionality
 3. Majorityrule

اصل که انسان‌ها از این حیث که انسان‌اند، برابرند. بنابراین، باید فرصت برابر هم داشته باشند. جان رالز^۱ نیز در نظریه عدالت به مثابه انصاف اشاره می‌کند که انصاف به معنی برابر داشتن نیست، بلکه به معنای فرصت برابر است (رالز، ۱۳۸۳: ص ۸۶). لذا، برابری سیاسی متضمن حکومت افراد بر خود، مشارکت سیاسی، حق رأی مساوی و نیز تساوی در شایستگی با شرایط مشخص برای کسب مقام‌های سیاسی است.

دو اصل دینی اصاله الاباحه و اصل عدم ولایت نیز بیانگر خودگردانی سیاسی از یک‌سو و مشارکت سیاسی از سوی دیگر است. اصاله الاباحه در مقابل اصاله الحظر است. روایات «کل شیء لک حلال حتی تعلم انه حرام بعینه» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ص ۳۱۳) و روایت «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی» (ابن بابویه، ۱۳۶۳: ص ۳۱۷) این نتیجه را دارد که در یک نظام دینی، تنظیم زندگی فردی و اجتماعی با اراده و خواست انسان مشروع خواهد بود و تنها استثناء این است که اراده‌های آزاد انسان‌ها در ساختن قواعد زندگی سیاسی نباید ناقض تشریحات قانون الهی در این زمینه باشد، یعنی نباید مخالف شریعت باشد (شفیعی، ۱۳۹۵: ص ۷۶).

پس می‌توان نتیجه گرفت که برابری ذاتی انسان‌ها در خلقت نتیجه‌اش حق سیاسی برابر است. البته برابری انسان‌ها در حقوق و تکالیف به معنی شایستگی همگانی بر حکومت نیست، زیرا شایستگی بر حکومت از مجموعه شرایط دینی و عرفی به دست می‌آید، اما برابری سیاسی به معنی فرصت برابر از شرایط تحزب است، چون اگر نابرابری سیاسی باشد، افراد دور اشخاص جمع می‌شوند و این منجر به تشکیل حزب فاسد می‌شود و اگر برابر نباشند افراد کامل نمی‌توانند بالا بیایند و قدرت و ثروت تعیین‌کننده خواهد بود.

۸-۲. آزادی سیاسی^۲

آزادی سیاسی مقوله‌ای است که جامعه ایران از مشروطه با آن روبرو بوده است اندیشمندان از

1. John Rawls

2. Political freedom

آزادی تعاریف مختلف ارائه داده‌اند. آیزیا برلین^۱ با تفکیک آزادی به آزادی مثبت و منفی، آزادی منفی را «آزادی از» می‌داند. این پرسش اساسی در آزادی منفی مطرح است که قلمرو تحت اختیار فرد چیست؟ آزادی از زندان، آزادی از بیگانگان، آزادی از سلطان جبار، آزادی از ارباب، آزادی از زنجیرهایی که به دست و پای آدمی بسته شده است. اما آزادی مثبت و به تعبیری «آزادی در» پس از آزادی منفی است، وقتی موانع را در جلوی پای افراد برداشتند. آزادی مثبت یعنی این که آدمیان بتوانند ابراز وجود و اعمال اراده و بذل سرمایه و طراحی و برنامه‌ریزی و سازندگی کنند (برلین، ۱۳۹۲: ص ۲۵۰).

از دیدگاه کارل کوهن^۲ منظور از آزادی سیاسی عبارت است از آزادی انجام دادن انواع کارهای مختلفی که حکومت اقتضاء می‌کند، این کارها اصولاً شامل آزادی استفاده از ابزارهایی است که از طریق آن‌ها شهروند بتواند صدای خودش را به گوش دیگران برساند و در حکومت تأثیر عملی داشته باشد (کوهن، ۱۳۷۳: ص ۱۸۴).

همچنین در بیانات امام خمینی آزادی از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است. ایشان می‌فرمایند: آزادی یک مسئله‌ای نیست که تعریف داشته باشد، مردم عقیده‌شان آزاد است، کسی الزامشان نمی‌کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید، کسی الزام به شما نمی‌کند که حتماً باید این راه را بروید، کسی الزام به شما نمی‌کند که باید این را انتخاب کنید، کسی الزامتان نمی‌کند که در کجا مسکن داشته باشید یا در آنجا چه شغلی انتخاب کنید، آزادی چیز واضحی است (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۸۸).

در فرمایشات مقام معظم رهبری هم آزادی سیاسی به این صورت بیان می‌شود که افراد جامعه اسلامی در تکوین و هدایت نظام سیاسی جامعه دارای نقش و اثر باشند، نه این که تنها یک قشر یا جمع یا وابستگان به یک فرد در جامعه حق و توانایی تصرف در اداره کشور را داشته باشند.

1. Isaiah Berlin

2. Cohen, Curl

آزادی سیاسی یعنی این که همه مردم با قطع نظر از وابستگی‌های قومی و زبانی و نژادی و دینی، در یک جامعه بتوانند آن نظام را به سوی مطلوب خودشان هدایت کنند. طبیعی است وقتی در جامعه اختلاف رأی و نظر پیدا شد، عقیده‌ای که طرفدار بیشتری دارد رأی متبع خواهد برد و دیگران باید آن را تمکین کنند (حق پناه، ۱۳۷۸: ص ۱۰۲).

بنابراین، آزادی سیاسی در حق تعیین سرنوشت و آزادی انتخاب در رأی و اظهار نظر از شرایط ایجاد حزب است.

۸-۳. رقابت سیاسی^۱

سومین شرط وجود حزب رقابت سیاسی است، زیرا در جامعه‌ای که انحصار باشد، اساساً رقابتی شکل نمی‌گیرد. به وسیله رقابت است که مسئله اکثریت و اقلیت به وجود می‌آید و اراده اکثریت شهروندان دارای صلاحیت در یک رقابت سیاسی تحقق می‌یابد. اگر اراده اکثریت نباشد بدیل آن هرج و مرج یا استبداد خواهد بود.

در مقوله رقابت سیاسی این پرسش عمده وجود دارد که اولاً آیا انسان‌ها حق دارند دور هم جمع شوند و زندگی سیاسی را از طریق رقابت اداره کنند و ثانیاً رقابت کجا، کی و چگونه و با چه کسانی صورت خواهد گرفت. پاسخ به این پرسش‌ها مشخص می‌سازد که رقابت سیاسی از شرایط حزب است. روشن است که رقابت سیاسی در درون مرزهای ملی و مکان ملی صورت می‌گیرد، لذا مفهوم ملت و مرز ملی در رقابت سیاسی از اهمیت خاصی برخوردار است.

در پاسخ به این پرسش که آیا انسان‌ها حق دارند تا زندگی سیاسی را از طریق رقابت اداره کنند، دو نحوه استدلال شده است: یک نوع استدلال این است که رقابت سیاسی را از مقوله حق می‌داند، چون مردم حق دارند از باب اینکه مالکان مشاع سرزمین ملی هستند، آن‌گونه که مهدی حائری در حکمت و حکومت دلیل می‌آورد یا آن‌گونه که محقق نائینی در تنبیه الامه از حقوق مشترک نوعی و امور نوعیه استدلال نموده است. رقابت سیاسی از مقوله حق شهروندان تلقی

1. Political competition

می‌شود که از شرایط تحزب است

۸-۴. انتخابات جدی^۱

انتخابات جدی از مهم‌ترین شرایط پیدایی حزب است و بستر و مادر احزاب سیاسی محسوب می‌شود. تحزب مستلزم نظام انتخاباتی صحیح است، چراکه بدون آن هر حزبی لاجرم ناقص است. به همین دلیل، قانون انتخاباتی را قانون اساسی دوم هر کشور به شمار می‌آورند. چون نظام انتخاباتی تعیین‌کننده قانون بازی و رقابت بین احزاب سیاسی است. نوع و نحوه برگزاری انتخابات، ترتیبات و راهکارهای قانونی دقیق و صحیح، از شرایط تحزب است.

۹. ارکان تحزب

ارکان جزء ماهیت حزب هستند و از ماهیت عام و جهان‌شمول برخوردارند، که به آنها می‌پردازیم:

۹-۱. سازمان^۲

سازمان منسجم و صحیح حزبی از ارکان تحزب است، سازمان مهم‌ترین رکن حزب بوده که نقش آن از ایدئولوژی و مبانی طبقاتی یا اجتماعی حزب به مراتب تعیین‌کننده‌تر است. توجه به انسجام سازمانی و میزان انسجام و نظام‌مند بودن آن از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. مقصود از سازمان، برقراری ترتیب معینی از روابط بین افراد عضو یک مجموعه سیاسی حزبی است، به نحوی که نتیجه این روابط منجر به بالاترین کارایی در جهت پیشبرد مقاصد گروه گردد. در یک سازمان‌دهی منسجم و قوی نیروها براساس استعداد و توانمندی‌های ذهنی و عملی برای فعالیت سیاسی تقسیم گردیده و هر یک مسئولیت خاص خود را می‌یابد. لذا، ترتیب و کنار هم قرار گرفتن تک‌تک اعضا باید درست باشد، انتخابات داخلی و نحوه انتخاب روسا و نظارت حزبی و

1. Serious election

2. Organization

همچنین ترتیبات حزب باید به شکل صحیح صورت گیرد.

۹-۲. عضویت حزبی^۱

عضو، جزء ارکان حزب است، چون اعضاء به اعتبار ایدئولوژی، مواضع و اهداف سیاسی مشترک و از این منظر که افراد هم‌فکری هستند، به عضویت حزب درمی‌آیند. عضویت اعضاء و تعداد اعضای حزب میانی تقسیم‌بندی دوورژه^۲ برای تقسیم احزاب به دو دسته کادر و توده است. وی برحسب میزان وابستگی فرد به حزب، اعضاء را به هواخواهان، اعضای ساده و فعالان حزبی و مبلغان تقسیم می‌کند (دوورژه، ۱۳۷۶: ص ۵۱).

یک حزب دارای اعضای عادی، فعالان حزب و رهبران حزبی است که این روند عضویت سازمانی تأثیرات مثبتی بر میزان مشارکت سیاسی اعضاء دارد (میلبرث و گوئل، ۱۳۸۶: ص ۱۷۳). در حزب شرایط عضویت در حزب، حقوق اعضاء، مجازات حزبی باید به شکل صحیح و مناسب لحاظ شود و افراد از حیث عالم بودن، مهذب بودن، کامل در علم و اخلاق، صاحب درایت و کفایت بودن در حفظ جامعه اسلامی و رعایت مصلحت عمومی جامعه مورد توجه احزاب قرار گیرد.

۹-۳. مرامنامه^۳

مرامنامه وجه تمایز احزاب و شناسنامه حزب محسوب می‌شود. فلسفه وجودی حزب را بیان، و جهت عمومی اندیشه و خط‌مشی حزب را ترسیم می‌کند و به نوعی نماد حزب است و معیار ائتلاف و فاصله حزب با احزاب رقیب می‌باشد. مرامنامه حزب مجموعه‌ی اهداف، سیاست‌ها و راهبردهایی است که دیدگاه حزب را در تمام مسائل کلان جامعه نشان می‌دهد. نباید تناقضی در آن وجود داشته باشد. تضاد در آراء و اندیشه‌های اعضای حزب در هر یک از مسائل کلان موجب

1. Factional membership

2. Duverge

3. Creed

فروپاشی حزب می‌گردد و مانع از ایجاد تحزب می‌شود.

۹-۴. کارویژه‌ها^۱

مهم‌ترین کار ویژه حزب اراده برای کسب قدرت سیاسی و اداره نهادهای حکومت بوده و وجه تمایز حزب با گروه‌های ذی‌نفوذ و جماعت‌های خیریه و اصناف و غیره است. اراده برای کسب قدرت سیاسی از ارکان حزب است و بدون چنین رکنی تحزب شکل نمی‌گیرد. البته این مفهوم با مفهوم منفی قدرت‌طلبی در اخلاق سیاسی متفاوت است. اراده حزب برای کسب قدرت سیاسی دو ویژگی رقابتی و دموکراتیک بودن را دارا است که کانون رقابت دموکراتیک بر پدیده انتخابات، رأی و صندوق رأی استوار بوده که احزاب با شکل دادن به افکار عمومی از طریق ارائه موضوعات، دکترین‌ها و ایدئولوژی‌ها و ایجاد ارتباط سیاسی بین افراد و آموزش آن‌ها و همچنین با گزینش نامزدها و معرفی آن‌ها به رأی‌دهندگان، کرسی‌های نمایندگی را به دست می‌آورند. تنظیم قواعد رقابت باید با احزاب دیگر شکل بگیرد. صبر، همکاری، گذشت، جوانمردی باید مدنظر باشد تا لذت مسابقه و رضایت‌آفرینی عمومی در احزاب و طرفداران شکل بگیرد. برابری فرصت‌های مسابقه و عادلانه و منصفانه و جوانمردانه بودن و همچنین شرایط برابر در معرفی نامزدها، تبلیغات انتخاباتی، رأی‌گیری باید به شکل صحیح و عادلانه صورت گیرد.

چنانچه مسابقه‌ای برای کسب قدرت با این شرایط شکل بگیرد، نتیجه آن مشروعیت حکمران و تقسیم لذت مسابقه است و هر شهروندی به فعال سیاسی تبدیل می‌شود و راه چگونگی دستیابی به قدرت، مشارکت و تربیت به شهروندان آموزش داده می‌شود و هنر حل مناقشات را با ابزارهای مسالمت‌آمیز برای خوب زیستن و با هم زیستن ایجاد می‌کند و این تربیت و آموزش نظری و عملی شهروندان مشارکت سیاسی فعال را شکل می‌دهد. اما نکته مهم در این مسابقه احترام به رأی و فصل‌الخطاب بودن رأی است. امام خمینی میزان را رأی ملت دانست و رهبر معظم انقلاب

هم رأی را حق‌الناس می‌داند. چنین امری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که رأی نه تنها معیار نهایی رقابت انتخاباتی، بلکه معیار نهایی در تصمیم‌گیری است. این موارد برای تشکیل حزب حائز اهمیت می‌باشد.

۹-۵. منابع مالی احزاب^۱

مالیه احزاب منابع مالی سالم برای دخل و خرج احزاب است که باید به شکل صحیح و شفاف صورت گیرد. قلب حزب پول آن است، اگر بتوان مالیه احزاب را کنترل کرد، می‌توان از فساد حزب جلوگیری نمود، زیرا استقلال مالی بسیار مهم است تا مورد طمع اشخاص یا قدرت‌های خارجی قرار نگیرد و این موضوع هم از ارکان حزب است. چنانچه بخواهد حزب شکل بگیرد، باید مالیه احزاب به شکل صحیح ایجاد شود.

۱۰. منافیات حزب

۱۰-۱. الیگارشی آهنین حزبی^۲

یکی از نبایدهای حزب، الیگارشی آهنین حزبی است. این نکته که چگونه رهبری ماشین‌های بزرگ سیاسی به تدریج به انحصار یک طبقه خاص درمی‌آید که خود از اعضای فعال حزب خلع ید به عمل می‌آورد و حزب سیاسی را وسیله‌ای برای استمرار حکومت‌های فن‌سالار و سیاست پیشه می‌کند. جامعه‌شناسی احزاب سیاسی مطالعه‌ای در مورد الیگارشی در دموکراسی‌های حزبی، سازمان حزبی را وسیله‌ای برای حاکمیت مستبدانه احزاب به اعضایش معرفی می‌کند که این امر مانع ارتباط میان رهبری حزب و توده مردم می‌گردد. وبر^۳ تنزل اعضای حزب به حیوان رأی‌دهنده و کاملاً منضبط را از معایب حزب می‌داند که نمایندگان آن در پارلمان، صرفاً مجری نظرات رهبر

1. Finance of parties

2. Iron Oligarchy of party

3. Weber

حزب به شمار می‌آیند (میخلز، ۱۳۹۲: ص ۸).

۱۰-۲. انحصارطلبی^۱

یکی از منافیات حزب، انحصارطلبی احزاب است. چون حزب ایجاد وضعیت مسابقه بوده و مسابقه بدون رقیب سبب بی‌معنایی حزب است. نظام تک‌حزبی شبیه نظام‌های بدون حزب هستند و چرخه را معیوب می‌کند و تفاوت نامشروع می‌شود. تاریخ ایران نشان از چیرگی قابل توجه انحصارطلبی، سرپیچی از قواعد صحیح رقابت و پنهان‌کاری سیاسی و عدم پاسخگویی احزاب بوده است. آن‌ها حزبی که می‌گویند من و غیر من هیچ، این ضد وحدت بوده و عامل تفرقه است.

۱۰-۳. دور شدن از مرامنامه^۲

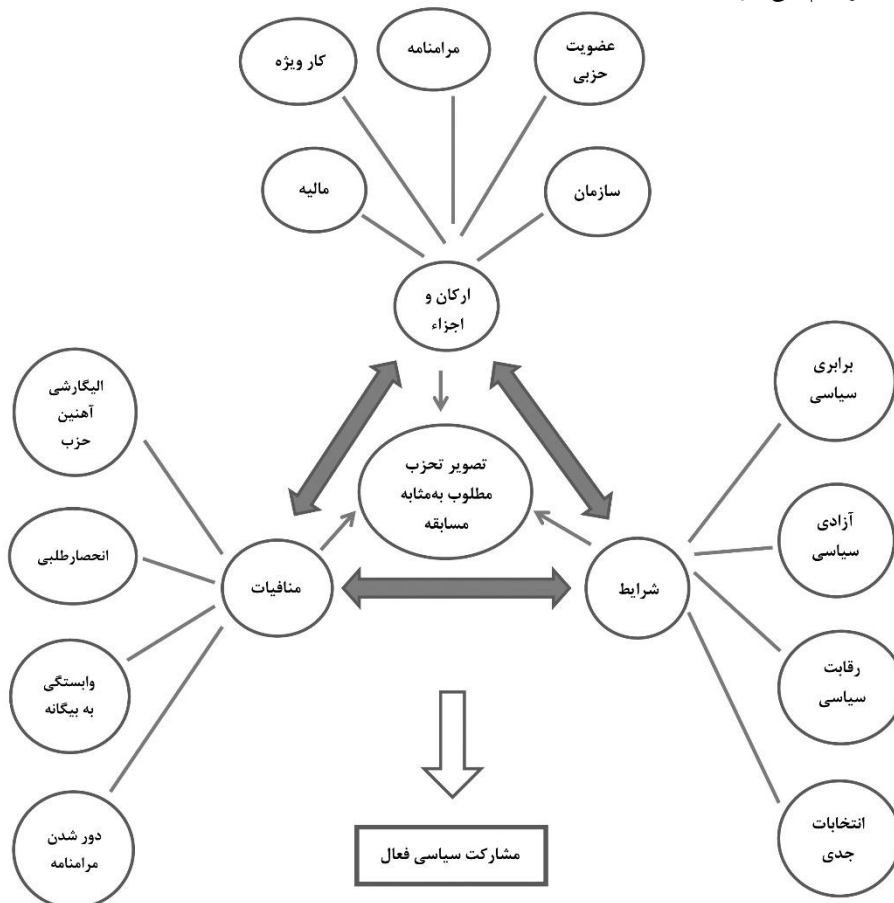
یکی از منافیات حزب، دور شدن از مواضع فکری است. مرامنامه از جمله ارکان و اجزاء حزب می‌باشد، هرگونه تناقض در مرامنامه و در عمل حزب، حزب بودگی آن را نفی می‌کند. تناقض‌های درونی در مرامنامه حزب و همچنین تناقض در بخش نظری و بخش عملی نفی‌کننده حزب مطلوب است.

۱۰-۴. وابستگی به خارج و بیگانه^۳

یکی دیگر از منافیات حزب، وابستگی به خارج و بیگانه است. این موضوع در تاریخ حزب در ایران سابقه دارد. احزاب سیاسی که از ابتدا به صورت نهادهای وابسته به بیگانه در کشور ظاهر شدند و مردم خاطره خوبی از آن‌ها ندارند. لذا، احزاب باید بدون هیچ وابستگی به خارج تشکیل شوند. بنابراین، چنانچه بخواهیم با توجه به مباحث ارائه شده الگوی حزب را ترسیم کنیم، به این

-
1. Monopolization
 2. Moving away from intellectual issues and creed
 3. Dependence on foreigners

صورت ترسیم می‌شود:



شکل ۱. مؤلفه‌های حزب مطلوب

۱.۱. نتیجه‌گیری

در این تحقیق براساس ادبیات نائینی در تنبیه‌الامه در مرحله نخست با این سؤال که حقیقت و ماهیت حزب و حزب چیست، براساس دیدگاه اندیشمندان ماهیت حزب را به مثابه مسابقه تصویر کردیم و در ادامه به شرایط، ارکان و منافیات حزب پرداختیم.

شرایط عبارت است از: برابری سیاسی، آزادی سیاسی، رقابت سیاسی و انتخابات جدی. ارکان شامل: احزابی با سازمان، عضویت حزبی، مرامنامه، کار ویژه و منابع مالی صحیح براساس نگرش اندیشمندان اسلامی.

وجوه سلبی و منافیات از قبیل: الیگارشی آهین حزبی، انحصارطلبی، دور شدن از مواضع فکری و مرامنامه و عدم وابستگی به خارج و بیگانه.

در طرح بازسازی تحزب با استفاده از دیدگاه نائینی، در مورد انجمن صحیح علمی، الگوی تحزب مطلوب را در بطن آموزه‌های دینی پیگیری کردیم. نائینی برای پشتیبانی از مشروطه و نظام دموکراسی دینی به الگویی از سازمان سیاسی اشاره می‌کند که می‌توان آن را دموکراسی انجمنی نامید. از دیدگاه محقق نائینی اهم مقاصد این باب و مقدمه مهمه در تحصیل حقیقت اتحاد تشکیل انجمن‌های صحیحه علمیه و مرتب نمودن آن‌ها از اعضای مهذب و کامل در علم و عمل و اخلاق و نوع‌خواه و ترقی‌طلب و با درایت و کفایت در حفظ جامعه اسلامی و احیای رابطه نوعیه است (نائینی، ۱۴۲۴ق: ص ۱۷۰). این موارد در الگوی تحزب مورد بازسازی قرار گرفت.

ضرورت ایران امروز تلاش برای نهادینگی و چارچوب‌بندی‌های تشکیلاتی برای جذب مشارکت مردمی است که باید بستر و شرایط لازم را جهت تکوین روند تحزب و مشارکت سیاسی فعال در قالب مسابقه مثبت فراهم نمود. امروزه جامعه ایران به نهادهایی برای مشارکت‌جویی در اشکال مسالمت‌آمیز نیاز دارد، تأخیر در شکل‌گیری این روند مشارکت‌جویی را در اشکال غیر مسالمت‌آمیز راهبری می‌کند.

منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۳). من لا یحضره الفقیه. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
 ۲. آل غفور، سید محمدتقی (۱۳۹۱). پیامدهای سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران بر مشارکت سیاسی، تحزب و ثبات سیاسی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
 ۳. برلین، آیزیا (۱۳۹۲). چهار مقاله درباره آزادی. ترجمه محمدعلی موحد. تهران: خوارزمی، چاپ سوم.
 ۴. بهشتی، سید محمد (۱۳۸۸). حزب جمهوری اسلامی، گفتارها، گفت‌وگوها، نوشتارها. تهران: روزنه، ج ۱۰.
 ۵. جهانبخش، فروغ (۱۳۸۲). از بازرگان تا سروش. تهران: بهزاد.
 ۶. حق‌پناه، رضا (۱۳۷۸). حکومت و ولایت. اندیشه حوزه، شماره ۱۷: ص ۱۰۲.
 ۷. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۵۸). گفتار در وحدت. تهران: حزب جمهوری اسلامی.
 ۸. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰/۷/۲۴). بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه با رهبر انقلاب. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=17589>
 ۹. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۱/۱۱/۳۰). تحزب باید استحکام‌بخش بنیان وحدت جامعه باشد. روزنامه جمهوری اسلامی ایران: ص ۱۰.
 ۱۰. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه نور. تهران: موسسه نشر آثار امام خمینی، ج ۱۰، ۱۷، ۴، ۱.
 ۱۱. دوورژه، موریس (۱۳۷۶). احزاب سیاسی. ترجمه رضا علومی. تهران: امیرکبیر.
 ۱۲. راش، مایکل (۱۳۹۳). جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: سمت.
 ۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. تصحیح صفوان عدنان داودی. لبنان؛ سوریه: دارالعلم - دارالشمی.
 ۱۴. رالز، جان (۱۳۸۳). عدالت به مثابه انصاف. ترجمه عرفان ثابتی. تهران: ققنوس.

۱۵. شفیعی، محمود (۱۳۹۵). عدالت سیاسی از منظر قرآن و روایات. علوم سیاسی، شماره ۷۸: ص ۷۶.
۱۶. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۰). تفسیر القرآن الکریم. قم: بیدار، ج ۲.
۱۷. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۵ق). تفسیر المیزان. تهران: دارالکتب اسلامی، ج ۱.
۱۸. فیرحی، داود (۱۳۹۱). فقه و سیاست در ایران معاصر. تهران: نشر نی، ج ۱.
۱۹. فیرحی، داود (۱۳۹۴). آستانه تجدد در شرح تنبیه الامه و تنزیه المله. تهران: نشر نی.
۲۰. فیرحی، داود (۱۳۹۶). فقه و حکمرانی حزبی. تهران: نشر نی.
۲۱. کلینی، محمد (۱۴۰۷ق). الکافی. تصحیح علی‌اکبر غفاری، محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۵.
۲۲. کوهن، کارل (۱۳۷۳). دموکراسی. ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: خوارزمی.
۲۳. مصفا، نسرین (۱۳۷۵). مشارکت سیاسی زنان در ایران. تهران: وزارت امور خارجه.
۲۴. میخلز، روبرت (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی احزاب سیاسی. ترجمه احمد نقیب‌زاده. تهران: قومس، چاپ سوم.
۲۵. میلبرث، لستر؛ گوئل، لیل (۱۳۸۶). مشارکت سیاسی. ترجمه رحیم ابوالحسنی. تهران: میزان.
۲۶. نایینی، محمدحسین (۱۴۲۴ق). تنبیه الامه و تنزیه المله. تصحیح سید جواد ورعی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۷. نوذری، حسینعلی (۱۳۸۱). احزاب سیاسی و نظام‌های حزبی. تهران: گستره.
۲۸. هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر (۱۳۷۸). تحزب و حزب جمهوری اسلامی. یاد، شماره ۵۳-۵۶.
۲۹. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علم.

30. Mc gann, Anthony (2009). *The logic of Democracy*. Michigan: U.S.universty of Michigan.